



بامدادی که تفاوت نکند لیل و نهار -- خوش بود دامن صحرا و تماشای بهار

در صبح زود اوّل بهار که طول شب و روز آن یکسان است ، رفتن به صحرا و تماشای کردن گل های زیبای بهاری ، لذّت بخش است

آفرینش همه تنبیه خداوند دل است -- دل ندارد که ندارد به خداوند اقرار

تمام پدیده های آفرینش برای آگاه کردن انسان های عارف است و اگر کسی وجود خدا را انکار کند و به خدا ایمان نیاورد ، ذوق و احساسی ندارد.

این همه نقش عجب بر در دیوار وجود -- هر که فکرت نکند نقش بود بر دیوار

هر کسی که با این همه نقش ها و پدیده های عجیب هستی به آفریننده ی آنها نیندیشد ، همانند عکس و تصویر روی دیوار ، بی احساس و بی روح است.

کوه و دریا و درختان ، همه در تسبیح اند -- نه همه مستمعی فهم کند این اسرار

کوه و دریا و درختانو همه ی مخلوقات در حال نیایش خداوند هستند ، اما هر شنونده ای این راز را درک نمی کند.

خبرت هست که مرغان سحر می گویند -- آخر ای خفته ، سر از خواب جهالت بردار ؟

آیا خبر داری که پرندگان سحری به هنگام صبح می گویند : ای انسان غافل ، از بی خبری و نادانی ، رها شو

تا کی آخر چو بنفشه ، سر غفلت در پیش -- حیف باشد که تو در خوابی و نرگس بیدار

تا کی می خواهی مانند گل بنفشه در غفلت و نادان به سر ببری . حیف است که تو بی خبر و غافل باشی و گل نرگس بیدار و آگاه باشد

که تواند که دهد میوه الوان از چوب؟ -- یا که داند که بر آرد گل صد برگ از خار ؟

تنها خداوند بزرگ است که می تواند از چوب درخت ، میوه های رنگارنگ و از خار ، گل های سرخ زیبا ، پدید آورد

عقل ، حیران شود از خوشه ی ذرّین عنب -- فهم ، عاجز شود از حقه ی یاقوت انار

عقل از زیبایی خوشه طلایی انگور ، متحیر و فهم از درک زیبایی و ظرافت دانه های انار که مانند یاقوتی سرخ و ارزشمند ، می درخشد ، ناتوان است.

پاک و بی عیب خدایی که به تقدیر عزیز -- ماه و خورشید ، مسخر کند و لیل و نهار

خداوند پاک و بی عیب با فرمان خود ، تمام پدیده ها و موجودات را (ماه و خورشید و شب و روز را) مطیع خود کرده است.

تا قیامت سخن اندر کرم و رحمت او -- همه گویند و یکی گفته نیاید ز هزار

اگر همه مردم تا روز قیامت درباره ی بخشش و لطف خداوند سخ بگویند باز هم یکی از هزاران لطف و رحمت خداوند ، گفته نمی شود.

نعمتت بار خدایا ، ز عدد بیرون است -- شکر انعام تو هرگز نکند شکر گزار

پروردگارا نعمت های تو قابل شمارش نیست و هیچ انسان شکر گزاری نمی تواند ، شکر نعمت های بی کران تو را به جای آورد.

سعدیا ، راست روان ، گوی سعادت بردند -- راستی کن که به منزل نرسد کج رفتار

ای سعدی ، انسانهای درست کار ، به سعادت و خوش بختی می رسند ، بنابر این تو هم انسانی صادق و راستگو باش ، زیرا انسان های بدرفتار ، به هدف و مقصودش نمی رسد.

سعدی

سعدی => شعر تماشای بهار

سعید ساجدی رئیس - سایت معلم یار



کانال معلم یار | @MoallemYarIR